

جلوه‌های ادبی - سیاسی شعارهای دوران انقلاب اسلامی ایران

مریم‌السادات اسعدی فیروزآبادی*

زهرا فاتحی نصرآبادی**

چکیده

در انقلاب اسلامی ایران، مردم از جان گذشته، با فریادهای خشم‌آهنگ و موزون خود در کوچه و خیابان، ضمن تبیین بنیادها و اهداف انقلاب، در پیش بردن این حرکت سیاسی و منجر شدن آن به پیروزی، نقش مهم و غیرقابل انکاری داشتند. شعارها به دلیل کوتاه و موزون بودن، سادگی، طنزگونگی و داشتن تقدس مذهبی، خیلی زود در اذهان جای می‌گرفتند و با تکرار منتشر می‌شدند. اگرچه شعارها بیشتر توسط مردم کوچه و بازار در زمانی کوتاه ساخته می‌شد و بر زبان‌ها جاری می‌گشت، اما وجود عناصر زیبایی‌شناسی تا حدودی در آنها قابل توجه و بازکاوی است. این نوشته پژوهشی که پس از نگاهی به ابعاد سیاسی - اجتماعی شعارها، آنها را به شیوه توصیفی - تحلیلی از بعد ادبی و زیبایی‌شناسی بررسی می‌کند، نشان می‌دهد که ذوق و قریحه خدادادی مردم ایران، طبع ظریف و نکته‌سنجشان، نیز مانوس بودنشان با شعر و ادبیات، در شعارهای انقلابیشان نیز جلوه‌گری می‌کند.

واژگان کلیدی

شعار، انقلاب، سیاست، زیبایی‌شناسی، وزن و آهنگ، فنون بلاغت، طنز.

مقدمه

هر انقلاب با توجه به ماهیت خود، از عللی بر می‌خیزد و اهدافی را دنبال می‌کند و بنابراین ابعاد و دامنه

ma2463@yahoo.com

afsene8@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۱۸

* استادیار دانشگاه پیام نور.

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۳۱

گسترش، نیز میزان تأثیرگذاری، می‌تواند رویدادی کوچک یا بزرگ در هر کشور قلمداد گردد. انقلاب اسلامی ایران که انقلابی علیه استبداد و دیکتاتوری حاکم بر ایران بود، صرف نظر از تشکیل سلسله صفویه که رخدادی عظیم در تاریخ کشور ایران به شمار می‌آید، بزرگترین تحول تاریخی است که از ظهور اسلام تاکنون در ایران روی داده است. (زیباکلام، ۱۳۷۵: ۹ و ۱۰) بنابراین، مطالعه همهجانبه پیرامون این پدیده سترگ، امری ضروری به نظر می‌رسد.

در انقلاب‌ها و مبارزات اجتماعی، برخی عقاید و اعتراضات جمعیت معترض، به شکل شعار مطرح می‌گردد. شعارگویی و رجزخوانی را از ویژگی‌های شعر اعتراضی دانسته‌اند (ثربلی، ۱۳۸۹: ۱۸۷) و این، همه جزء لاینفک اهیات مقاومت به شمار می‌آید. اهیاتی که رسالت خود را شرح و بیان مبارزه، پایماری، جان‌فشانی و از خود گذشتگی مردمی می‌داند که با تحمل درد و رنج، در جهت به دست آوردن آزادی، استقلال و سرکوب اشغالگران و متجاوزان به سرزمین نیاکنی خود و دفاع از دین، فرهنگ و سنت‌های قومی، از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند (همان: ۷ و ۸).

هلهله و فریاد، رجزخوانی و بر زبان آوردن سخنان مهیج و آتشین و همه موارد این‌چنینی که به بین افراد یک گروه، وحدت و رابطه عاطفی و روانی برقرار می‌سازد و از آن طرف روحیه گروه مقلبل را تضعیف می‌کند، همواره در همه دوره‌ها، نزد همه اقوام و ملل مرسوم بوده است. سنگری، رسم رجزخوانی را که با تحقیر دشمن و تکریم خود به منظور ایجاد نوعی هراس در روحیه افراد دشمن صورت می‌گرفته، نوعی جنگ روانی دانسته که پیش از شروع مبارزه انجام می‌شده است. (سنگری، ۱۳۸۹: ۷۱) در شعارهای انقلاب نیز که در آنها خواسته‌های ملت به صورت کوتاه و فشرده بیان می‌گردد، همین لحن محکوم ساختن دشمن، تحقیر و اعلام انزجار از او دیده می‌شود. شعار، ساده‌ترین و در عین حال کارآمدترین ابزار مبارزاتی مردم در انقلاب‌ها محسوب می‌گردد؛ چرا که بهین وسیله مردم می‌توانند بی‌واسطه، متحد و یک صدا، خواسته‌های خود را مستقیماً به گوش دست‌اندرکاران حکومت برسانند.

در تظاهرات و راهپیمایی‌ها که شعارها بر زبان شعاردهندگان جاری می‌گردد، همواره خطر از دست دادن جان و وقوع حوادث ناگوار وجود دارد و آنها که در این‌گونه حرکتهای مردمی شرکت می‌کنند، کسانی هستند که در راه نیل به اهداف و آرمان‌های خویش به راستی هست از جان شسته‌اند و شجاعانه قدم در میدان می‌گذارند.

شعارهای دوره انقلاب، علی‌رغم اختناق حاکم بر جامعه و فرصت محدود، به سبب ویژگی‌هایی چون کوتاه و موزون بودن، سادگی، طنزگویی، داشتن تقدس منهبی و از همه مهم‌تر به دلیل بر آمدن از دل آحاد مردم، خیلی سریع در اذهان جای می‌گرفتند و با تکرار منتشر می‌گشتند. اگرچه این جملات بعضاً موزون، بدون بهره‌گیری از نیروی متخصص، توسط علمه مردم ساخته و پرداخته می‌شد، در ایجاد هیجان و گسترش عرصه مبارزاتی مردم علیه نظام طاغوت، بسیار تأثیرگذار بود و می‌توان آنها را گرهایی از خشم و اعتراض دانست.

که در بستری از ادب علم‌یافته رشد می‌کرد و بر سر طبقه حاکم فرو می‌آمد این نوشتار، که به این مهم اختصاص یافته است، نخست با تأملی در ابعاد سیاسی - اجتماعی شعرها، به دل برآمده‌های مردم نظر می‌افکند، سپس آنها را از بعد ادبی و زیبائشلسانه بررسی می‌کند. در انتخاب شعرها، از کتاب‌های «فرهنگ شعرهای انقلاب اسلامی»، «تصاویر دیوار نوشته‌های انقلاب» و «همگام با شعرها در انقلاب اسلامی ایران» استفاده شده است. تعدادی نیز از حافظه نگارندگان نقل می‌گردد.

ابعاد سیاسی - اجتماعی

یک. تعریف انقلاب

انقلاب که یک کلمه عربی است، در لغت به معنی برگشتن، زیر و رو شدن، واژگون شدن، تغییر و تحول و شورش و ناآرامی است. (معین، ۱۳۷۱: ذیل واژه) این کلمه در اصطلاح، بر دگرگونی ریشه‌ای در نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یک کشور اطلاق می‌گردد که از یک طغیان بزرگ و یا واژگونی حکومت مستقر سرچشمه می‌گیرد. (جفری ام، ۱۳۷۳: ۲۰) انقلاب را باید مفهومی اعتباری دانست که با تغییر نظام همراه است. این تغییر کیفی و ارزشی نظام اجتماعی، غالباً با خشونت و سرعت توأم و متکی بر اراده اکثریت مردم جامعه است. (متقی‌زاده، ۱۳۷۷: ۵؛ محمدی، ۱۳۸۸: ۲۹)

دو. شعرها و بنیادهای اصلی انقلاب اسلامی

هر جنبش سیاسی، بر بنیادهایی استوار می‌گردد سه بنیاد اصلی انقلاب ایران را، «رهبری»، «وحدت»، و «حکومت اسلامی» تشکیل می‌داند که این سه، برپایه محور اسلام با یکدیگر در ارتباط بودند (بی‌نا، ۱۳۷۹: ۱۰۵) در بسیاری از شعرهای انقلاب، این سه عنصر حضوری پررنگ دارند.

۱. رهبری

یکی از متغیرهای مهم در انقلاب‌های اجتماعی، وجود رهبر است. این مسئله در اسلام نیز مورد توجه قرار گرفته است. (متقی‌زاده، ۱۳۷۷: ۱۱۶) امام خمینی، شخصیتی بود که خود در بیداری مردم ایران و قیام آنان، نقش اساسی را بر عهده داشت و پس از وقوع انقلاب، چون سکنه‌ناری حاذق، این کشتی به حرکت درآمده را با درایت و شجاعت به سر منزل مقصود و ساحل نجات هدایت کرد. نقش این رهبر مردمی به اندازه‌ای برجسته و قابل توجه است که همگان در دنیا او را به عنوان یک رهبر انقلابی می‌شناسند و ابعاد دیگر شخصیتی او تحت تأثیر این جنبه، اغلب نادیده گرفته می‌شود. حامد الگار می‌نویسد:

نقش سیاسی امام خمینی در رهبری انقلابی که در تاریخ معاصر بی‌نظیر است، روی هم رفته سبب شده است تا مقام شامخ ایشان به عنوان یک محقق، فیلسوف و عارف ناشناخته بماند.

(الگار، ۱۳۶۰: ۶۲)

برخی از شعارهایی که حول محور رهبری قیام رواج یافت عبارتند از:

الله اکبر، خمینی رهبر؛

ارتش ما حسینیه، رهبر ما خمینیه؛

این است شعار ملی، خدا، قرآن، خمینی.

۲. وحدت

یکی از عوامل مهم در پی‌ریزی و پیروزی هر جنبش سبسی، حفظ وحدت و همبستگی میان عناصر فعال در آن است. در انقلاب اسلامی ایران، مردم که بنده اصلی انقلاب را تشکیل می‌دهند، با الهام و تبعیت از رهبر فرزانه قیام، در شعارهای خود، تمام گروهها و دسته‌های اجتماع را به اتحاد فرامی‌خوانند برخی از این‌گونه شعارها عبارتند از:

اتحاد اتحاد، رمز پیروزی

روحانی، دانشجو، محصل، پیوندتان مبارک

ارتش برادر ماست حامی و یاور ماست

۳. حکومت اسلامی

حکومت اسلامی، حکومت قانون الهی است و در آن حکومت‌کنندگان موظفند احکام و قوانین اسلام را که از قرآن و سنت اخذ می‌گردد، اجرا کنند (شیخ الاسلامی، ۳۸۵: ۵۴)

انبیشه تشکیل حکومت اسلامی که در تاریخ معاصر ایران از سیدجمال‌الدین اسدآبادی آغاز گردید، از حدود سال ۱۳۲۰ به بعد، دوره جان‌گرفت و در دهه پنجاه به عنوان الگویی عملی و طرحی برای زندگی مردم در همه ابعاد سبسی، اجتماعی و فرهنگی مطرح شد و از عوامل مهم در پیروزی انقلاب گردید (متقی‌زاده، ۳۷۷: ۷۸) شعارهای زیر، صریحاً به برقراری حکومت اسلامی اشاره دارند:

جمهوری اسلامی آری حکومت خودکلمان هرگز

نظام شاهنشاهی سرچشمه فساد است جمهوری اسلامی مظهر عدل و داد است

زندانی سبسی آزاد باید گردد حکومت اسلامی ایجاد باید گردد

سه. شعارها و اهداف انقلاب اسلامی

هر انقلاب در ذات خود، اهدافی را دنبال می‌کند مهم‌ترین اهداف انقلاب اسلامی ایران، برقراری استقلال، آزادی و عدالت در کشور بود. (بی‌نا، ۳۷۹: ۱۳۷) امام خمینی، این هر سه را نخستین حقوق بشر می‌دانست. (بی‌نا، ۳۸۰: ۲۳)

۱. استقلال

رژیم پهلوی با بازگذاشتن دست بیگانگان در تصمیم‌گیری‌های امور مملکت، استقلال کشور را به خطر انداخته بود این وابستگی، روز به روز در عرصه‌های مختلف سبسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی گسترش می‌یافت. در

شعارهای زیر، استقلال طلبی مردم و درخواست قطع دخالت‌های اجانب در امور کشور دیده می‌شود

استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی

بختیار بختیار نو کو بی اختیار

این کارتر بیگانه از خاور میانه اخراج باید گردد

۲. آزادی

با اینکه آزادی از مفاهیم بی‌غرنج در فلسفه سیاسی مسلمانان به شمار می‌رود و تفاسیر مختلف از آن باعث گردیده این مهم، به عنوان حق خدادادی تا سر حد کفر پیش رود، اما رهبر فرزانه انقلاب نه تنها آن را مغایر با اسلام معرفی نکرد؛ بلکه از آن به عنوان ارزشی الهی یاد کرده و آن را جزو شعارهای بنیادین انقلاب قرار داد. (خواجہ سروی، ۱۳۸۹: ۲۳۵) امام، آزادی را حقی اولیه، قانونی و شرعی برای نوع بشر دانسته می‌فرماید:

«حق اولیه بشر است که [بگوید] من می‌خواهم آزاد باشم». (طلیبی دارابی، ۱۳۷۸: ۳۲)

گفتنی است، آزادی از نظر مردم انقلابی، حق حاکمیت بر سرنوشت خود و رهایی از سلطنت استبدادی است و انقلابیان گاه در فضای آزادی، به یاد شهدا از کوشش آنان برای کسب آزادی تجلیل می‌کند (بی‌نا، ۱۳۷۹: ۱۴۰)

آزادی آزادی این است شعار ملی

در بهار آزادی جای شهدا خلی

۳. عدالت

عملکرد نامناسب رژیم پهلوی در امور اقتصادی، اسباب بنبینی مردم را نسبت به رژیم فراهم آورده بود. یکی از خواسته‌های مردم در جریان انقلاب، توزیع عادلانه ثروت‌های ملی در بین مردم بود. آنان در شعارها، حمایت خود را از طبقات محروم جامعه چون کارگران و کشاورزان اعلام کرده و در مقابل، غارتگران و چپاول‌کنندگان بیت‌المال را محکوم می‌کردند. (همان: ۱۴۲)

استثمار نبود است زحمتکش پیروز است

کارگر برزگر مستضعف رنجبر اسلام یاور توست

چهار. ماهیت شعارها

ماهیت شعارهای انقلاب ایران را می‌توان در چهار بخش بررسی کرد:

یکه شعارهایی که از آغاز انقلاب، حتی پیش از آن در تجمعات قانونی، از طریق بیانیه‌های رسمی و حتی در رسانه‌های گروهی مطرح می‌گردند و بر اصلاحات و تغییرات جزئی در نظام سیاسی حاکم تأکید می‌کند. (بی‌نا، ۱۳۷۹: ۷) نمونه‌های این‌گونه شعارها به قرار زیر است:

عاملین استعمار باید شوند بر کار

صدما و سیمای ما آزاد باید گردد سانسورچی طوماری اخراج باید گردد

دو. شعارهایی که در فواصل مختلف حرکت انقلابی بر چگونگی مبارزه تا پیروزی انقلاب و انسجام و تقویت پایگاه و جایگاه رهبری تأکید می‌کنند (همان: ۸) نمونه‌های زیر را می‌توان از این دست بر شمرد:

با سرود لا اله الا الله می‌رویم به راه پاک روح الله

برای حفظ قرآن ارتش تو کونتا کن

شهادت سرود انقلاب است

سه. آن دسته از شعارها که با اوج گرفتن انقلاب رواج می‌یابند و با ماهیت سلبی خود، خواهان نابودی

رژیم سیاهی حاکم هستند (همان: ۷)

نصر من الله و فتح قریب مرگ بر این سلطنت پر فریب

مسلمان بیدار است از سلطنت بیزار است

شاه بیا حیا کن سلطنت را رها کن

چهار. آنها که ماهیت ایجابی دارند و در روزهای آخر پیروزی انقلاب بر استقرار یک نظام سیاهی مطلوب

تأکید می‌ورزند (همان)

شورای انقلابی ایجاد باید گردد جمهوری اسلامی ایجاد باید گردد

رژیم شاهنشاهی سر منشأ فساد است جمهوری اسلامی مرکز عدل و داد است

پنج. جمهوریت و شعارهای انقلاب

تجلی جمهوریت در شعارهای انقلاب از دو بعد سلبی و ایجابی قابل بررسی است. بعد سلبی به این معنا که مردم مبارز در جریان انقلاب، نسبت به این مسئله وقوف داشتند که در پی نابودی چه چیزی هستند؛ اما در مورد اینکه چه چیزی را می‌خواهند جایگزین سازند، آگاهی نداشتند همین حضور بعد سلبی و فقدان بعد ایجابی، به تدریج مردم را لاسرد و مبارزه را به سوی بن‌بست پیش می‌برد، اما رهبر کبیر انقلاب با درایت خود، در اقدامی علمانه، بعد ایجابی نهضت را که عبارت از طرح نظریه حکومت اسلامی یا نظام ولایت فقیه در عصر غیبت بود مطرح ساخت و بدین ترتیب، حلقه سلب و ایجاب تکمیل شده، افق مبارزه برای مردم انقلابی کلاً روشن گردید (خواجه سروی، ۱۳۸۹: ۳۲)

محمدرضا دهشیری در مقاله خود تحت عنوان: «جمهوریت و شعارهای انقلاب»، به این نتیجه دست می‌یابد که «جمهوریت علاوه بر برخورداری از جنبه‌های سلبی و اثباتی، صرفاً درونگرا نبوده، بلکه جنبه‌های برون‌گرا نیز داشته است». همچنین بررسی‌های این صاحب‌نظر نشان می‌دهد که جمهوریت از بطن جامعه توده‌ای برخاسته است؛ اگرچه در بعضی شعارها، اشاراتی به بنیادها و نهادهای جامعه مننی دیده می‌شود و جمهوریت با جامعه مننی به کلی ناسازگار نیست. (دهشیری، ۱۳۷۷: ۱۷۸)

گفتنی است جامعه توده‌وار زمانی شکل می‌گیرد که بنا به عللی، وفاداری گروهی میان مردم از

بین می‌رود (کوهن، ۱۳۸۶: ۱۹۶) از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه توده‌وار، مبتنی بودن بر کثرت‌گرایی و تأکید خاص بر آزادی (صو کراسی) است. (ز کریایی، ۱۳۸۷: ۴۷؛ ملکوتیان، ۱۳۸۹: ۶۷) درحالی‌که تشکله‌ها و سازمان‌های طبقاتی، صنفی و سیاسی، همبستگی‌های اجتماعی، سنتی و منه‌بی، شبکه‌های ارتباط جمعی شهری و ... را می‌توان از خصایص جامعه مدنی دانست. (کوثری، ۱۳۸۷: ۱۴؛ مولانا، ۱۳۸۲: ۱۰۱-۶۹)

نمونه شعرهای متناسب با جامعه توده‌ای عبارتند از:

مجله‌دین پیوستند بی غیرتها نشستند
ما به ارتش گل دادیم ارتش به ما گلوله

نمونه شعرهای متناسب با جامعه مدنی عبارتند از:

تفرقه نبود است انقلاب پیروز است

خلق به خون می‌کشد سلسله پهلوی

بررسی ادبی شعرها

در این بخش، شعرها از سه بعد وزن و آهنگ، فنون بلاغت و صناعات ادبی و زبان و بیان طنزآمیز بررسی می‌شوند. ذکر این نکته لازم است که ابعاد یاد شده، در آثار بسیاری از نویسندگان و شاعران دوره انقلاب قبل بحث و باز کاوی است. مطالعه نوشته‌های نویسندگانی چون سید مهدی شجاعی، محمود گلاب‌دره‌ای در حوزه داستان و یا نثر ادبی، همچنین بررسی شعر شاعرانی چون قیصر امین‌پور و سلمان هراتی، گواه آن است که این نویسندگان و شاعران صاحب نام، با احاطه بر اسلوب سخن و سخنوری، آگاهانه و یا تحت تأثیر قریحه خداداد ادبی، به جنبه‌های زیباشناسانه سخن توجه داشته‌اند؛ به طوری که می‌توان تک‌تک آثار آنان را از این جهت در پژوهش‌های متعدد و مجزا مورد بازبینی قرار داد و به تدریج قایل توجهی دست یافت؛ آن‌چنان که بسیاری از این آثار از این حیث در قلب کتاب، طرح پژوهشی و پایان‌نامه کنکاش شده‌اند.

این امر بر عهده نقد زیبایی‌شناسی است که جوهر هنر را به دور از محتوای خاص آن بررسی می‌کند (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۲۹) اما آنچه در این مجال مورد توجه نگارندگان بوده آن است که شعرهای انقلاب که بیشتر آنها بدون بهره‌گیری از نیروی متخصص، توسط علمه مردم ساخته و پرداخته می‌شد، در مقابل این نقد از چه جایگاهی برخوردار است و کدام عناصر زیبایی‌شناسی را می‌توان در این شعرها به نظاره نشست. البته با در نظر گرفتن این مطلب - همان‌گونه که در تعریف انقلاب پیش از این گفته شد - که سرعت یکی از ویژگی‌های انقلاب است و بر فرض بودن افراد صاحب نظر، زمان کافی برای پرداخت و اصلاح شعرها عملاً وجود نداشت.

یک. وزن و آهنگ

از مختصات بارز اکثر شعرها، داشتن وزن و آهنگ عرضی یا هجایی است؛ پاره‌ای از شعرها نیز علاوه بر وزن،

دارای عناصر موسیقایی چون سجع، جناس، تکرار و موازنه هستند مأنوس بودن مردم با شعر و موسیقی و آهنگین بودن شعرها، بلعث شده است تا یادگیری و تکرار آنها برای همه اقشار جامعه به راحتی امکان پذیر باشد اصولاً مردم، جمله‌ها و عبارات آهنگین را سریع‌تر جذب کرده، به حافظه می‌سپارند از این رو، در قدیم، بسیاری از علوم را که حفظ و یادگیری آن دشوار بوده، با منظوم ساختن، به متعلمان می‌آموخته‌اند در این بخش، ابتدا شعرها به دو دسته مثنوی و منظوم تقسیم می‌گردد. در این تقسیم‌بندی، آنها که منظوم هستند، خود به دو دسته عروضی و غیر عروضی قلیل تفکیک هستند.

الف) شعرهای مثنوی: درصد کمی از شعرها را عباراتی ساده و بدون آهنگ تشکیل می‌دهد که بیشتر آنها به صورت دیوان‌نوشته دیده می‌شود نمونه‌هایی از این دست:

- با اتحاد خود تفرقه را معدوم می‌کیم.

- با کودتای نظامی آمریکا مقلبله می‌کیم.

- قانون اسلسی یعنی چماق.

محرم، ماهی که خون بر اسلحه پیروز می‌شود.

ب) شعرهای منظوم: این‌گونه شعرها، خود به دو دسته عروضی و غیر عروضی تقسیم می‌شود. در این بخش، بیست مورد از مشهورترین شعرهای منظوم که به طور تصادفی انتخاب شده‌اند، از حیث وزن و آهنگ بررسی می‌شوند.

یک. عروضی: شعرهای عروضی یا شعرهایی که کلاماً منظوم هستند و وزن عروضی در آنها رعایت شده است، تعدادی از شعرها را شامل می‌گردد. در برخی شعرها، وزن عروضی در هر دو پاره که روی هم یک مصرع را می‌سازند، رعایت شده است، اما هر پاره به تنهایی وزن عروضی کاملی ندارد.

نمونه شعرها با وزن عروضی کامل

ما همه سرباز توایم خمینی

U - U - / U U U / - -

گوش به فرمان توایم خمینی

- U U - / - U U - / U - وزن: مفتعلن، مفتعلن، فعولن

ای شاه خائن آواره گردی

- / U - - / - - / U - - -

خاک وطن را ویرانه کردی

- / U - - / - - / U - - مفعول فع لن مفعول فع لن

تا شاه کهن نشود

- / U U - U / U - -

این وطن وطن نشود

- / U U - U / U- -

وزن: مفعول مفاعیل فع

هر کس که عدالت خواه است

U - / - - - U / U- -

از عدل علی آگاه است

U - / - - - U / U- -

وزن: مفعول مفاعیلین فع

جمهوری اسلامی آری

- / - - - U / U- - -

حکومت خود کلمان هرگز

- / - - - U / U- - -

وزن: مفعول مفاعیلین فع لن یا مستفعل مفعولین فع لن

تا خون مظلومان به جوش است

U - - - / - U - / - U

آوای عاشورا به گوش است

U - - - / - U - / - U

وزن: مستفعلن مستفعلن فع (فاع)

کشتی جوانان وطن آه و واویلا

- / - - U - / - U - - / - U - -

کردی هزاران تن کهن آه و واویلا

- / - - U - / - U - - / - U - -

وزن: مستفعلن مستفعلن فاعلاتن فع

۲-۱-۲-۱-۲-۱-۲ نمونه شعرها به صورت پاره‌های عروضی

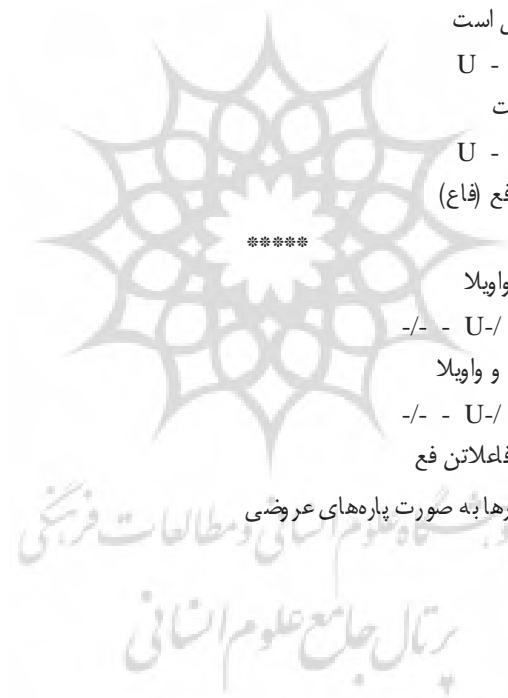
تا مرگ شاه خائن

/U- - - - U

نهضت ادامه دارد

/U- - - - U

وزن: مفعول فاعلاتن



پروژه گامگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سکوت هر مسلمان

- - U / - U - U

خیانت است به قرآن

- - U / - U - U

وزن: مفاعلهن فعولن

ازهارى گوسله

U - - - / U - U

بازم بگو نواره

U - - - / U - U

وزن: مستفعلهن فعولن

اینه شعار بختیار

U / - U - U / - U U -

منقل وافورو بیار

U / - U - U / - U U -

وزن: مفعلهن مفاعلهن

در بهار آزادی

- - /U - U - -

جای شهیدا خلی

- - /U - U - -

وزن: فاعلات مفعولن

الله اکبر

- /U - - -

خمینی رهبر

- /U - - -

نهضت ما حسینیه

U - U / - U U -

رهبر ما خمینی

وزن: مفعلهن مفاعلهن



در پایان این قسمت، ذکر این نکته لازم است که در تقطیع و تعیین وزن برخی شعرهای ذکر شده، از اختیارات شاعری استفاده شده است. (برای اطلاع از چگونگی اختیارات شاعری ر.ک: شمیسا، ۱۳۷۹: ۳۸؛ صدری، ۱۳۸۷: ۱۷)

دو. غیر عروضی: شعرهایی که وزن هجایی دارند، یا هر مصراع وزن جداگانه دارد؛ این قسم شعرها، بیشتر منطبق بر ویژگی‌های شعر عامیانه است.

اشعار عامیانه غالباً ساده و بی‌تکلف و دلنشین و هماهنگ با ذوق و فهم و روح عوام سروده شده است؛ زیرا هم سرایندگان آنها و هم مردمی که این آثار را می‌خوانند، از صنایع ادبی و علم عروض بی‌خبرند و از کاربرد بحرها و قوافی پیچیده و مشکل برکنار. اوزان اشعار عامیانه مبتنی بر امتداد اصوات و تکیه هجاهاست. بنابراین، به هنگام قرائت آنها باید به حرکات و سکنتات و کشش‌ها و محل تکیه‌های صوتیشان توجه گردد. (رزمجو، ۱۳۷۴: ۱۳۷)

از آنجا که در جریان انقلاب، این عامه مردم بودند که در تظاهرات و راه پیمایی‌ها شرکت می‌کردند و شعار می‌دادند و اکثر سازندگان شعرها را عوام تشکیل می‌دادند، بنابراین در پاره‌ای شعرها، با وزن هجایی و غیرعروضی مواجه هستیم؛ علاوه بر آن، در این گروه به مواردی بر می‌خوریم که نه تنها تعداد هجاهای دو پاره با هم مساوی نیست، بلکه اختلاف نوع هجاها از نظر کوتاهی و بلندی نیز به گونه‌ای است که با کمک اختیارات شاعری نمی‌توان دو پاره را با هم برابر کرد.

نمونه‌هایی از شعرها با وزن هجایی (تعداد هجاهای مساوی)

حزب فقط حزب الله

U - - - - U U -

رهبر فقط روح الله

U - - - - U - -

تعداد هجاهای مساوی، هر دو پاره هشت هجا / تفاوت در نوع هجا

پرچم خونین قرآن

- U - - U U -

در دست مجاهد مردان

- - - U U - - -

تعداد هجاهای مساوی، هر دو پاره هشت هجا / تفاوت در نوع هجا

توپ تلخ مسلسل دیگر اثر ندارد

- U - U - - - U U - U -

شاه به جز خودکشی راه دگر ندارد

- U - U U - - U - - U U -

هر دو مصراع دارای چهارده هجا با وزن متفاوت

نمونه‌هایی از شعارها با اختلاف نوع و تعداد هجا

وای اگر خمینی حکم جهادم دهد

-U - - UU- - - U - UU -

ارتش دنیا نتواند که جوایم دهد

UU- - - UU- - - UU-

پاره اول، چهارده هجا و پاره دوم، پانزده هجا دارد

نه شرقی نه غربی

- U - - U

جمهوری اسلامی

- - U U - -

پاره اول، شش هجا و پاره دوم، هفت هجا دارد

کار شاه تمام است

U - -UU- U -

خمینی امام است

U - - U - - U

پاره اول، هشت هجا و پاره دوم، هفت هجا دارد

دو. فنون بلاغت و صناعات ادبی

۱. معانی و بیان

یک. تشبیه

«تشبیه مانده کردن چیزی است به چیزی، مشروط بر اینکه آن ماندگی مبتنی بر کذب باشد نه صدق» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۶۷) تشبیهی که وجه شبه در آن ذکر نشده باشد، «مجمل» و تشبیهی که وجه شبه در آن ذکر شده باشد، «مفصل» نامیده می‌شود. به تشبیهی که در آن ادات تشبیه ذکر نشود، مؤکد و تشبیهی را که در آن، ادات تشبیه ذکر شود، مرسل می‌گویند (همان: ۶۸) تشبیهی که در آن نه وجه شبه ذکر گردد نه ادات، «بلیغ» نامیده می‌شود. (همان: ۶۹)

نمونه‌های تشبیه در شعارها

- شهید قلب تاریخ است. تشبیه بلیغ

- در بهار آزادی، جای شهدا خالی. تشبیه بلیغ

- مرگ بر بختیار، نو کر بی اختیار

بختیار، در بی‌اختیاری و اطاعت محض از ارباب خویش، به نو کر همانند شده و تشبیه از نوع مفصل است.

با چاقوی خرکشی به شیوه سگ کسی ای بختیار اللنگ آخر تو را می‌کشیم

بختیار در تشبیهی مضمّر، با خر و سگ همانند دانسته شده است.

دو. استعاره

در استعاره، واژه‌ای به علاقه مشبّهت به جای واژه دیگر به کار می‌رود (همان: ۱۵۳)

نمونه‌های استعاره در شعارها

- دیو چو بیرون رود فرشته در آید
- استعاره از شاه استعاره از امام خمینی
- درود بر خمینی بت شکن
- استعاره از طاغوت
- بختیار، تو عصای ضحاک برو گم شو ای نو کر تریاکی
- ضحاک: استعاره از شاه و یا دشمنان خارجی
- ما می‌گیریم شاه نمی‌خوایم نخست وزیر عوض میشه
- ما می‌گیریم خر نمی‌خوایم پلون خر عوض میشه
- استعاره از شاه استعاره از نخست وزیر

سه. کنایه

کنایه در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن و در اصطلاح، سخنی را می‌گویند که دارای دو معنی قریب و بعید است و این دو معنی لازم و ملزوم یکدیگرند (همایی، ۱۳۷۰: ۲۵۵؛ میرزانی، ۱۳۸۲: ۱۸۵۵ - ۸۵۳)

نمونه‌های کنایه در شعارها

- شاه تو را می‌کشیم، به خاک و خون می‌کشیم
- به خاک و خون کشیدن: کنایه از کشتن (ثروت، ۱۳۷۹: ۷۲)
- خمینی عزیزم، بگو تا خون بریزم
- خون ریختن در فرهنگ کنایات، کنایه از قتل و کشتار کردن آمده است (همان: ۹۲؛ میرزانی، ۱۳۸۲: ۳۵۱)
- اما در اینجا به معنی خون خود را ریختن و کنایه از «جان فشانی» است.
- تا خون در رگ ماست، خمینی رهبر ماست. خون در رگ بودن: کنایه از زنده بودن
- تا شاه کهن نشود، این وطن نشود. کهن شدن: کنایه از مردن

چهار. ایجاز

ایجاز در لغت به معنی اختصار و در اصطلاح علم معانی، بیان مقصود در کوتاه‌ترین لفظ و کم‌ترین عبارت است. این امر، در کلام اغلب فصحا دیده می‌شود (صادقیان، ۱۳۷۱: ۱۱۷)

برخی شعار یا دیوارنوشته‌ها از ویژگی ایجاز برخوردارند نمونه‌هایی از این دست:

- الله اکبر
- درود بر خمینی

- مرگ بر شاه

- شهید قلب تاریخ است.

- تزکیه، تشکل، جهاد با اسلحه

پنج. اطناب

اطناب، بیان مقصود با عبارتی بیش از حد متعارف و معمول و هدف از آن، تأکید و تقویت معنی در ذهن شنونده است. (صادقیان، ۱۳۷۱: ۱۱۹) در شعارها، چون مردم بر اعلام مواضع خود تأکید می‌ورزند، اغلب اطناب دیده می‌شود تا ایجاز و این اطناب بیشتر به صورت تکرار کلمات ظاهر می‌شود در این مورد در قسمت «بدیع» با بیان آرایه تکرار، شواهد ذکر می‌گردد؛ اما شکلی دیگر از اطناب، به صورت ایضاح بعد از ابهام است و آن عبارت است از اینکه گاه، گوینده به منظور جلب توجه شنونده و متمرکز ساختن مطالب در ذهن او، ابتدا آن را با ابهام و به اجمال ذکر می‌کند، سپس آن را توضیح می‌دهد (همان: ۱۲۱) این نوع اطناب، بیشتر در دیوار نوشته‌ها دیده می‌شود:

- هر انقلابی دو رسالت دارد: خون و پیام

- در نیاسه بت شکن آمد: ابراهیم خلیل الله، محمد رسول الله، خمینی روح الله

شش. سادگی بیان و استعمال کلمات به شکل محاوره‌ای

از آنجا که شعارها توسط علمه مردم ساخته می‌شود و به کار می‌رفت، در اغلب آنها، زبان ساده و بی‌تکلف است و از وجود کلمات و ترکیبات ثقیل خبری نیست؛ حتی در برخی از شعارها، کلمات به شکل محاوره‌ای آن به کار رفته است مانند نمونه‌های زیر:

- بیل و کلنگ و تیشه، این شاه آدم همیشه

- به کوری چشم شاه، زمستونم بهاره

- ما می‌گیم شاه نمی‌خوایم، نخست وزیر عوض میشه...

۲. بدیع

از آنجا که شعارهای انقلاب تقریباً فی‌البداهه و یا در فرصت زمانی کم و توسط علمه مردم ساخته می‌شود، در آنها از آرایه‌های معنوی و پیچیده که لازمه به کار گرفتن آنها فراغت خاطر، اندیشه و دانش کافی است، نشان چندانی یافت نمی‌شود و بیشتر، آرایه‌های ساده لفظی چون جناس، سجع و تکرار که بر موسیقی کلام می‌افزاید، در شعارها دیده می‌شود. در اینجا، برخی از آرایه‌های به کار رفته در شعارها، با ذکر شواهد ذکر می‌گردد.

۱. آرایه‌های لفظی

یک. تکرار

در تکرار، واژه‌ای چه اسم باشد یا فعل یا حرف، در عبارت یا بیت، چندبار تکرار می‌شود. (صادقیان، ۱۳۷۹: ۸۹) واژه‌ها در شعارها، بیشتر برای تأکید یا خوش‌آهنگ کردن کلام تکرار می‌گردد.

- حسین حسین شعار ملت، شهادت افتخار ملت
- ای شاه بی‌غیرت، بگیر دجان تو ملت، ولی آهسته آهسته.
- می‌گشَم می‌گشَم، آنکه برادرم گشت.
- ای ارتش آزاده، آماده باش آماده

دو. جناس

جناس یا تجنیس، آوردن دو لفظ در کلام است که در ظاهر به یکدیگر همانند هستند، اما در معنی مختلف. از آنجا که این آرایه، موسیقی کلام را می‌افزاید و لطفی معنوی نیز به همراه دارد، تأثیر سخن را افزون می‌کند (همان: ۴۸)

- مردم ما بیدارند، از سلطنت بیزارند بیدار و بیزار: جناس لاحق (اختلاف در حرف میانی)
- ارتش بگو جواب گُل، گُلوه است؟! گُل و گُلوه: جناس منیل (حروف زاید در پایان یکی از دو پایه جناس)
- نه شاه می‌خوایم نه بختیار، کشور می‌خوایم با اختیار، بختیار و اختیار: جناس مطرف (اختلاف در حرف اول)

سه. سجع

«سجع آن است که دو واژه به‌گونه‌ای، در ریخت و ساختار آوایی با هم پیوند داشته باشند» (کوازی، ۳۷۴: ۴۲)

- بر لبم این سرود، بر خمینی درود
- سرود و درود، علاوه بر داشتن سجع متوازی، قافیه میانی نیز محسوب می‌گردد
- ز خلق ایران هشدار، به شاپور بختیار، تاجر سرمایه‌دار، نجلی شاه خون خوار، نمی‌دهیم اختیار، مرگ‌بر سازشکار
- بین کلمات: هشدار، بختیار، سرمایه‌دار، خون خوار، اختیار، سازشکار: سجع مطرف
- شهید قلب تاریخ است، شاه ننگ تاریخ است، قلب و ننگ: سجع متوازن

چهار. طرد و عکس

در این آرایه، گوینده، واژه‌هایی را که در مصراع اول آورده، عکس یا وارونه آن را در مصراع دوم می‌آورد یا در عبارت مثنوی، چند واژه را در آغاز می‌آورد، سپس وارونه آنها را به دنبال آن ذکر می‌کند (صادقیان، ۳۷۹: ۸۰)

- ملت فدای ارتش، ارتش فدای ملت

۲. آرایه‌های معنوی

یک. مراعات نظیر یا تناسب

«آن است که در سخن اموری را بیاورند که در معنی با یک‌دیگر متناسب باشند». (همایلی، ۳۷۰: ۲۵۷؛ شمیسا، ۳۸۰: ۶۴)

- تا خون مظلومان به جوش است، آوای عاشورا به جوش است.

تناسب بین کلمات: مظلومان، عاشورا، خون.
- توپ، تازک، مسلسل، دیگر اثر ندارد.
تناسب بین کلمات: توپ، تازک، مسلسل.

دو. اقتباس

اقتباس آن است که آیه‌ای از قرآن یا حدیثی را به طور کامل یا با کمی تغییر در شعر یا نثر بیاورند (صادقیان، ۱۳۷۹: ۱۵۴) در میان شعارهای مشهور، تنها یک مورد اقتباس دیده می‌شود:

نصر من الله وفتح قريب، مرگ بر این سلسله پر فریب
آیه شریفه: «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ». (صف / ۱۳)

سه. تلمیح

در اصطلاح بدیع آن است که گوینده در سخن خود، به داستانی یا مثلی و یا آیه و حدیثی معروف اشاره کند (پهزادی، ۱۳۷۳: ۹۱) نمونه‌های تلمیح در شعارها:

- نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی.

تلمیح به آیه شریفه: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ...» (نور / ۳۵)

- حزب فقط حزب الله، رهبر فقط روح الله.

تلمیح به آیه شریفه: «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ». (مائده / ۵۶)

- ما اهل کوفه نیستیم، امام تنها بماند

به بی‌وفایی مردم کوفه نسبت به حضرت علی علیه السلام یا امام حسین علیه السلام اشاره دارد.

- تا خون مظلومان به جوش است، آوای عاشورا به گوش است.

به شهادت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا اشاره دارد

چهار. ذم تشبیه به مدح

در این آرایه، گوینده ضمن نکوهش کسی یا چیزی، واژه‌هایی چون: مگر، اما، لیکن، جز، الا و مانند آن را می‌آورد؛ به طوری که شنونده گمان می‌کند قصد ستایش دارد؛ اما پس از تأمل درمی‌یابد که جمله‌ای که پس

از این کلمات آمده، ذم دیگری است. (صادقیان، ۱۳۷۹: ۱۴۴)

شریف املی، نه شریفی، نه املی بلکه بیوث زمانی

شریف املی، نه شریفی، نه املی بلکه یک خر تملی

پنج. جمع

«آن است که چند چیز را در یک صفت جمع کند که آن را جامع گویند» (همایی، ۱۳۷۰: ۲۸۱)

توپ، تازک، مسلسل دیگر اثر ندارد

شناس. التفات

آن است که گوینده در حین سخن، از غیبت به خطاب و از خطاب به غیبت منتقل شود. (پهزادی اندوهجردی، ۳۷۳: ۱: ۷۳)

ای گرگ برو گله دگر میش ندارد هر خانه ز ما یک پسری بیش ندارد
در پاره اول از شعار فوق، التفات از مخاطب به غیبت دیده می‌شود
این است شعار ملت دانشجو شهادت مبارک
در این شعار، التفات از غیبت به مخاطب دیده می‌شود.

هفت. طباق یا تضاد

آن است که در سخن کلمات ضد یکدیگر بیاورند (همایی، ۳۷۰: ۱: ۲۷۳)
به دستور خمینی نهضت ادامه دارد اگرچه هر شب و روز بر ما گلوله بارد
نخست وزیر از هاری تو خوابی یا بیداری آیا خبر نداری در شهر گذر نداری؟

زبان و بیان طنزآمیز شعرها

طنز در لغت به معنی فسوس کردن، عیبجویی و طعنه زدن است که به صورتی خنده‌آور اظهار می‌گردد. طنز، با ناروایی می‌ستیزد و در پی خنده‌اش عبرت است؛ بنابراین در طنزگویی، هدف تنها خندانیدن نیست؛ بلکه نیش‌خند طنز با خشم و قهری توأم است که با خودداری‌ای حکیمانه در آمیخته است. (رزمجو، ۳۷۴: ۱: ۹۰-۸۹) دوران بیداری را دوران تکامل و بلوغ طنز در تاریخ ادبیات ایران دانسته‌اند بررسی تاریخ تکوین طنز در ایران، بی‌انگه آن است که شرایط حاکم بر اجتماع و وابستگی اکثر هنرمندان به دربار، مانعی عمده در راه رشد طنز به شمار می‌آمده است؛ اما در دوران بیداری هم به سبب دگرگونی‌هایی که در ساختار سیاسی - اجتماعی ایران پدید آمد و هم به لحاظ رواج ساده نویسی در نثر، وسایل رشد و رواج طنز فراهم گردید. (داد، ۳۸۵: ۱: ۳۴۱)
نکته قابل ذکر در اینجا، آن است که طنزگویی کار هر کسی نیست و ذوقی سلیم و اندیشه‌ای وسیع لازم است تا بتواند از عهده سخن انتقادی طنزآمیز برآید. (رزمجو، ۳۷۴: ۱: ۹۱)

تأمل در ادب علمه ایران زمین، حاکی از وفور عنصر «خنده» در آثار ادبی است. شفیع کدکی، مهم‌ترین عنصر طنز را «تصویر هنری اجتماع نقیضین و ضدین» (شفیع کدکی، ۳۶۰: ۱: ۶) می‌داند. طنزپردازان در شعرها بر پایه بازی‌های لفظی و نوعی تلبو شکنی صورت می‌گیرند؛ چرا که پیش از این، کسی جرأت نمی‌کرده است اسم شاه یا حتی نخست وزیر را بدون ذکر القاب و عناوین احترام‌آمیز بر زبان آورد. درحالی که در شعرها، این دیوار شکسته می‌شود و علمه مردم با همان مجال کم و نبود نیروی متخصص، با سلیقه و سلیقه‌ای که در خلق شعار دارند، در توصیف خصایص و ویژگی‌های شاه و درباریان اغراق می‌ورزند؛ مثلاً زمانی که از هاری، صدای شعار دهندگان را صدای نوار ضبط شده می‌داند، نه صدای واقعی تظاهر کنندگان،

مردم بلافاصله به پشت بامها می‌روند و یک صدا می‌گویند: «ازهارای بیچاره، ای سگ چار ستاره، بزم بگو نواره، نوار که پا نواره، چشمای تو خماره!». یا وقتی بختیار در سخنرانی کذایی خویش، خود را مرغ طوفان می‌خواند که ترسی از طوفان حوادث انقلاب ندارد، بلافاصله این شعار ورد زبان مردم می‌شود: «نه مرغ طوفانی، نه موج دریایی، تو گرگ خون خواری، تو نو کر شاهی».

شعار طنزآمیز دیگر، مربوط به اعتراض مردم به موجودیت شاه در زمانی است که بی‌وقفه در پی عوض کردن نخست وزیر است:

ما می‌گیم شاه نمی‌خوایم، نخست وزیر عوض میشه

ما می‌گیم خر نمی‌خوایم، پلون خر عوض میشه

نه شاه می‌خوایم، نه شاپور، لعنت به هر چی مز دور.

این مردم هشیار در شعار زیر، با حالت طنزآمیز، دغدغه‌های واقعی نخست وزیر کشور را این چنین به تصویر می‌کشند:

اینه شعار بختیار، متقل و وافور و بیار

و در شعارهای زیر، شاه را مورد تمسخر قرار داده، تحقیرش می‌کنند:

شاه فراری شده، سوار گاری شده

ای شاه خائن تو پینه دوزی کفش آقا پاره شده باید بدوزی

همان‌گونه که پیش از این بیان گردید، طنزپردازی کار هر کسی نیست و طبعی ظریف می‌طلبد. نمونه‌های یاد شده، از ذوق سلیم و طبع نکته‌سنج مرعی خبر می‌دهد که مأنوس بونشان با شعر و ادبیات، آنان را حتی در کار ساختن شعارهای طنزآمیز یاری داده است.

نتیجه

مروری بر ابعاد سیلسی - اجتماعی شعارها نشان می‌دهد، با رهبری میرانه امام خمینی علیه السلام، اهداف انقلاب و بنیادهای اصلی آن در شعارها انعکاس یافته است. افزون بر آن، حضور این ابزار مبارزاتی در صحنه، از ابتدا تا پیروزی این جنبش سیلسی چشمگیر است؛ به طوری که گام به گام، متناسب با روند درجریان، مضامین شعارها تغییر می‌کند تا آخرین مرحله که بعد از گذر از ماهیت سلیمی، ماهیت ایجلی می‌یابد. در بعد ادبی و زیبایی‌شناسی نیز، در بخش وزن و آهنگ شعارها، با انتخاب و تقطیع بیست مورد از شعارهای معروف و آهنگین این نتایج حاصل شد:

هفت عدد از شعارها، وزن عروضی کلمی دارند که تقریباً معادل ۳۵٪ است. تعداد شعاری که به صورت پاره‌های عروضی هستند و دو پاره بر روی هم مصرع کلمی را می‌سازند نیز، هفت عدد و معادل ۳۵٪ است. تنها سه مورد از شعارها یعنی فقط ۱۵٪ وزن هجایی داشتند در سه مورد نیز، تفاوت تعداد هجا و

تفاوت وزن در دو مصرع دیده می‌شود که ۱۵٪ را دربر می‌گیرد می‌توان گفت که اگرچه اکثر شعرها خوش‌آهنگ و روان هستند و قابلیت بالایی را در رسوب و جای‌گیری در ذهن مردم دارند، اما تعداد شعرهایی که به صورت پاره‌های عروضی هستند و آنها که وزن عروضی کلمی دارند، با هم برابر و تقریباً دو برابر شعرهایی است که وزن هجایی دارند یا در دو پاره آنها تفاوت تعداد هجا و تفاوت وزن دیده می‌شود.

در بخش ابعاد بلاغی نیز دستاوردها چنین است:

چون طراح شعرها غالباً علمه مردم هستند، با کمال سادگی و ظرافت، شعرها را قلب زده به اذهان هدایت می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که همه اقشار می‌توانند به راحتی آنها را تکرار کرده، به حافظه بسپارند از آنجا که زبان در این شعرها طبیعی و درآمیخته با مکالمات روزمره است، از فنون بلاغی دشوار و پیچیده در آنها خبری نیست و تشبیه و استعارات و کلیاتی که بعضاً در برخی شعرها دیده می‌شود، ساده و با زندگی مردم مأنوس است.

برخی شعرها یا دیوان‌نوشته‌ها از ویژگی ایجاز برخوردارند؛ اما در اکثر آنها، به‌ویژه شعرها، به دلیل آنکه مردم بر مواضع خود تأکید می‌کنند، اطناب دیده می‌شود و این اطناب، بیشتر به صورت تکرار کلمات ظاهر می‌شود از حیث آرایه‌های بیعی، اغلب با آرایه‌های لفظی چون جناس، سجع و تکرار مواجه هستیم که نقش مهمی در افزایش موسیقی کلام و آهنگین شدن شعرها دارند و همین موسیقی و آهنگ، حفظ و به‌خاطر سپاری شعر را به مراتب آسان می‌سازد.

به سبب آنکه اصل و منشأ انقلاب، برخاسته از باورهای دینی و اعتقادی مردم است، در شعرهایشان نیز، پابندی آنها به دین و آموزه‌های آن به صورت اقتباس و تلمیحات قرآنی و مذهبی چهره می‌نماید.

بالاخره در بخش آخر که مربوط به مقوله طنز است، شعرهای طنزآمیز با بلیه‌گویی و نکته‌سنجی که ویژگی مردم ایران است، بلافاصله بعد از پخش هر خبری که حاوی تغییر در کلینه شاه و جهت‌گیری‌های دربار است، ساخته می‌شود و بدین ترتیب مردم با جرأت و جسارت بیشتری، در تحقیر و سرکوب شاه و درباریان قدم بر می‌دارند به طور کلی می‌توان زبان شعرها را بی‌تکلف، ساده و صمیمی و برگرفته از زبان پاک و بی‌آلایش مردم دانست که همین ویژگی‌ها، آنها را خواندنی، به‌خاطر سپردنی، جذاب و ماندنی کرده است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. الگار، حامد، ۱۳۶۰، *انقلاب اسلامی در ایران*، ترجمه مرتضی اسعدی و حسن چیدری، تهران، قلم.
۳. بهزادی اندوهجردی، حسین، ۱۳۷۳، *سیری در بدیع*، تهران، صدوق.
۴. بی‌نا، ۱۳۷۹، *فرهنگ شعرهای انقلاب اسلامی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱.
۵. بی‌نا، ۱۳۸۰، *آزادی در اندیشه امام خمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- ۴۴ □ فصلنامه علمی - پژوهشی انقلاب اسلامی، س ۱۰، زمستان ۹۲، ش ۳۵
۶. بی‌نا، ۱۳۸۴، *تصاویر دیوار نوشته‌های انقلاب*، تهران، علمی و فرهنگی.
 ۷. بی‌نا، بی‌تا، *همگام با شعارها در انقلاب اسلامی ایران*، بی‌جا، سپاه پاسداران.
 ۸. ترابی، ضیاء‌الدین، ۱۳۸۹، *آشنایی با ادبیات دفاع مقدس*، تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
 ۹. ثروت، منصور، ۱۳۷۹، *فرهنگ کنایات*، تهران، سخن، چ ۳.
 ۱۰. جفری ام، الیوت و رابر رجینالو، ۱۳۷۳، *فرهنگ اصطلاحات سیاسی*، ترجمه رئیس زاده لنگرودی، تهران، معین.
 ۱۱. خواجه سروی، غلامرضا، ۱۳۸۹، *سی گفتار پیرامون امام خمینی، انقلاب و جمهوری اسلامی*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، چ ۱.
 ۱۲. داد، سیما، ۱۳۸۵، *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، تهران، مروارید، چ ۳.
 ۱۳. دهشیری، محمدرضا، ۱۳۷۷، «گزارش مقاله جمهوریت و شعارهای انقلاب»، ارائه شده در همایش جمهوریت و انقلاب اسلامی، *کیهان اندیشه*، شماره ۷۹.
 ۱۴. رزمجو، حسین، ۱۳۷۴، *انواع ادبی*، مشهد، آستان قدس رضوی، چ ۳.
 ۱۵. زرین کوب، عبدالحسین و حمید زرین کوب، ۱۳۷۹، *نقد ادبی*، تهران، پیام نور، چ ۸.
 ۱۶. زکریایی، محمدعلی، ۱۳۸۷، «انقلاب اسلامی، جامعه و دولت»، *مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، به کوشش مسعود کوثری و سید محمود نجاتی حسینی، تهران، کویر، چ ۱.
 ۱۷. زیباکلام، صادق، ۱۳۷۵، *مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی*، تهران، روزنه، چ ۲.
 ۱۸. سنگری، محمدرضا، ۱۳۸۹، *ادبیات دفاع مقدس*، تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
 ۱۹. شفیع کدکنی، محمدرضا، ۱۳۶۰، *موسیقی شعر*، تهران، آگاہ.
 ۲۰. شمیسا، سیروس، ۱۳۷۹، *عروض و قافیه*، تهران، پیام نور، چ ۱۰.
 ۲۱. _____، ۱۳۸۰، *بدیع*، تهران، پیام نور، چ ۱۱.
 ۲۲. _____، ۱۳۸۱، *بیان*، تهران، فردوس، چ ۹.
 ۲۳. شیخ الاسلامی، سیدمحسن، ۱۳۸۵، «حکومت اسلامی و رهبری آن از نظر امام خمینی»، *فصلنامه حکومت اسلامی*، شماره ۱۲.
 ۲۴. صادقیان، محمدعلی، ۱۳۷۱، *طراز سخن*، یزد، دانشگاه آزاد اسلامی.
 ۲۵. _____، ۱۳۷۹، *زیور سخن*، یزد، دانشگاه یزد.
 ۲۶. صدری، جمال، ۱۳۸۷، *آهنگ‌شناسی شعر فارسی*، تهران، نشر فرهنگ مردم.
 ۲۷. طالبی دارابی، ابراهیم، ۱۳۷۸، «نگاهی به دیدگاه‌های سیاسی امام خمینی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، تابستان ۷۸.

۲۸. کزازی، میرجلال‌الدین، ۱۳۷۴، بدیع (زیبایی‌شناسی سخن فارسی)، تهران، کتاب‌ماد.
۲۹. کوثری، مسعود و سید محمود نجاتی‌حسینی، ۱۳۸۷، انقلاب اسلامی، جامعه و دولت (مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران)، تهران، کویر، چ ۱.
۳۰. کوهن، آلوین استانفورد، ۱۳۸۶، تئوری‌های انقلاب، ترجمه علیرضا طیب، تهران، قومس، چ ۱۶.
۳۱. متقی‌زاده، احمد، ۱۳۷۷، انقلاب اسلامی ایران و عوامل وقوع آن، تهران، انجمن قلم ایران، چ ۱.
۳۲. محمدی، منوچهر، ۱۳۸۸، تحلیل برانقلاب اسلامی، تهران، امیر کبیر، چ ۱۲.
۳۳. معین، محمد، ۱۳۷۱، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر، چ ۸.
۳۴. ملکوتیان، مصطفی، ۱۳۸۹، سیری در نظریه‌های انقلاب، چ ششم، تهران، قومس.
۳۵. مولانا، حمید، ۱۳۸۲، جامعه مدنی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۱.
۳۶. میرزاتیا، منصور، ۱۳۸۲، فرهنگ‌نامه کتایه، تهران، امیر کبیر، چ ۲.
۳۷. همایی، جلال‌الدین، ۱۳۷۰، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران، نشر هما، چ ۷.





پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني